

مثنوی تصحیح نیکلسون

چاپی نو، گامی به عقب^۱

حسن لاهوتی*

و موفق شد، با این کار بزرگ ماندگار، دوران حکم‌فرمایی نسخه‌های مغلوط مثنوی چاپ سنگی هند و ترک و ایران را به طور قطع و برای همیشه به پایان آورد. برای آن که به عظمت تلاش و صداقت عمل نیکلسون در راه ارائه نسخه‌ای منقح از مثنوی پی ببریم کافی است بدانیم که او متن مثنوی مصحح خود را از راه مقابله با ده نسخه خطی مثنوی به دست آورد و برخلاف برخی هم‌میهنان دانشمند که نام خود را بر پشت جلد مثنوی جلال‌الدین محمد بلخی می‌نویسند اما نقش خود را در تولید آن مبهم می‌گذارند، هدف و روش کار خود را در مقدمه‌های سه‌گانه‌ای که بر مثنوی چاپ لیدن نوشت، شرح داد (نگاه کنید: مثنوی معنوی، به اهتمام دکتر نصرالله پورجوادی، امیرکبیر، ۱۳۶۳؛ مثنوی معنوی، ترجمه و تحقیق حسن لاهوتی، نشر قطره، ۱۳۸۳). چنان که از مقدمه‌های نیکلسون بر می‌آید، او نسخه‌های خطی مورد نیاز خود را در دو مرحله به دست آورد و آن‌ها را در دو گروه با نشانه‌های اختصاری ABLCD و GHNkP مشخص کرد. مشخصات مجمل نسخه‌های خطی این دو گروه به شرح زیر است:

گروه اول:

۱. A. نسخه موزه بریتانیا، تحریر علی بن محمد، اواخر سال ۷۱۸ ق.
۲. B. نسخه مونیخ، تحریر محمد بن الحاج دولت‌شاه بن یوسف الشیرازی، پانزدهم ذوالحجه سال ۷۴۴ ق.
۳. L. نسخه خطی بدون نام کاتب، تحریر هفتم ربیع الآخر سال ۸۴۳ ق.

در تاریخ مثنوی‌شناسی ایران انتشار دو نسخه چاپی نزد اهل فضل اهمیت پیدا کرد و نبودن قانون کپی‌رایت که در همه جهان مدافع حقوق صاحبان آثار است، به سازمان‌های انتشاراتی ایران اجازه داد آن دو نسخه چاپی مثنوی را مکرر در مکرر و به شکل‌ها و قطع‌های مختلف تجدید چاپ کنند. اول مثنوی تصحیح نیکلسون (لیدن: بریل، ۱۹۲۴-۱۹۳۳ میلادی) و دوم، چاپ عکسی یا فاکسیمیل نسخه قونیه (تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱) که فاصله انتشار آن‌ها با یکدیگر بیش از شصت سال است. سخن ما در این مقاله با پدیده نخستین یعنی، مثنوی معنوی تصحیح نیکلسون و آخرین رونویسی آن (نشر دانشگاهی، ۱۳۹۰) که بر اساس رموز کتاب‌سازی تهیه شده است، ارتباط پیدا می‌کند؛ بنا براین از رویداد دومین سخن نمی‌گوییم. شایسته است ابتدا توجه پیدا کنیم که نیکلسون چگونه مثنوی معنوی را تصحیح کرد تا آنان که معنی تصحیح منطبق بر اصول علمی و انتقادی را نمی‌دانند و آن را با رونویسی اشتباه می‌گیرند شاید درس بگیرند؛ حاصل زحمات بیست ساله آن مرد بزرگ را درک کنند و قدر تلاش او را در راه چاپ و انتشار اولین متن انتقادی مثنوی بدانند. - خاصه در این ایام که بار دیگر مثنوی مصحح نیکلسون بدون رعایت نظرات اصلاحی او، دور از ملاحظه آدابی که باید در میان اهل تحقیق رواج داشته باشد، انتشار یافته است.

مثنوی‌شناس بزرگ بریتانیایی، رینولد الین نیکلسون، (۱۸۶۸-۱۹۴۵) نخستین دانشمندی است که مثنوی معنوی را با استفاده از روش علمی مقابله‌نسخ، به صورت چاپ‌های امروزی تصحیح کرد و امکان تولید انبوه آن را فراهم آورد

* مثنوی‌پژوه و مترجم برجسته متون ادبی -رحمة الله علیه-
۱. در نظر داشتیم این نقد را با اسم مستعار مرحوم حسن لاهوتی چاپ کنیم، اما چون اکنون او از دیار نسیه رخت بر بسته و در عیار نقد مأوی گزیده، صلحت دید گزارش میراث این شد که نام شریف این دانشمند زحمت‌کش و مولوی‌پژوه پرتلاش در ذیل عنوان مقاله درج گردد.



۴. C نسخه موزه بریتانیا، بدون تاریخ تحریر و بدون نام کاتب (متعلق به قرن هفتم یا اوائل قرن هشتم هجری قمری)
۵. D نسخه مونیخ، تحریر یحیی بن حمزه المولوی، چهارم شعبان سال ۷۰۶ ق.

گروه دوم:

۱. G نسخه قونیه، تحریر محمد بن عبدالله القونوی، رجب سال ۶۷۷ قمری - پنج سال پس از فوت مولانا
۲. H نسخه قسطنطنیه، تحریر حسن بن الحسین المولوی، سه شنبه چهارم شوال سال ۶۸۷ ق
۳. N نسخه قسطنطنیه، تحریر اسماعیل بن سلیمان بن محمد الحافظ القیصری، روز پانزدهم ربیع الاول سال ۶۸۰ ق
۴. K نسخه قاهره، تحریر محمد بن عیسی الحافظ المولوی القونوی، اواخر شعبان سال ۷۶۸ ق (همان نسخه‌ای که دکتر استعلامی تاریخ تحریر آن را ۶۶۸ پنداشته و اساس تصحیح خود قرار داده است).
۵. P نسخه دیگر قاهره از دفتر ششم، کاتب ناشناس، صفر سال ۶۷۴ قمری - نزدیک به هیجده ماه پس از فوت مولانا.

اکنون می‌توان فهمید که چرا همه محققان حوزه مثنوی‌شناسی به تصحیح انتقادی نیکلسون به چشم احترام نگرستند. او همه نسخه‌های خطی معتبر قرن هفتم و هشتم را با یکدیگر مقابله کرد و نسخه معتبر دیگری باقی نگذاشت تا بر اساس آن حرفی تازه در زمینه تصحیح انتقادی مثنوی معنوی بتوان زد. از طرفی دیگر، باید انصاف داد که گرفتاری‌های روزمره زندگی امروز نیز مجالی باقی نمی‌گذارد تا محقق وقت خود را صرف مقابله نسخه‌های خطی کند و دست به تصحیح انتقادی مثنوی به معنی صحیح کلمه بزند و خود را گرفتار مقابله این همه خطوط ریز و درشت خوانا و ناخوانای چشم‌فرسا سازد. اکنون قابل فهم است که چرا محققان حوزه مثنوی‌شناسی، از آن جمله آقای عبدالکریم سروس برای تصحیح مثنوی (علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۵) و آقای قوام‌الدین خرمشاهی نیز برای تصحیح مثنوی (انتشارات ناهید، ۱۳۷۵) به مقابله نسخه قونیه با چاپ نیکلسون اکتفا می‌کنند و خود را بی‌نیاز از مقابله نسخه قونیه با دیگر نسخه‌های خطی مثنوی می‌بینند. بگذریم و به نیکلسون

باز گردیم، و همین‌جا به این نکته بسیار مهم توجه کنیم که نسخه‌های خطی گروه دوم و از آن جمله نسخه معروف قونیه (تحریر محمد بن عبدالله قونوی، ۶۷۷ قمری)، زمانی به دست نیکلسون می‌رسد که دفتر اول و دوم تا نصف بیشتر دفتر سوم فرسنگ‌ها دور از اتاق کار نیکلسون، در چاپخانه بریل لیدن به زیر چاپ رفته بود. او در مقدمه خود بر دفاتر سوم و چهارم توضیح می‌دهد که از بیت ۲۸۳۶ دفتر سوم تا پایان دفتر ششم را بر اساس نسخه قونیه تصحیح کرده؛ تمامی ابیات دفاتر اول و دوم تا بیت ۲۸۳۵ دفتر سوم را دوباره با نسخه‌های گروه دوم - و تأکید می‌کنیم با نسخه قونیه ۶۷۷ - مقابله کرده؛ اما چون امکانات چاپ در هشتاد سال پیش اجازه تجدید نظر در چندین هزار صفحه چاپ شده را نمی‌داده است (نیکلسون متن فارسی مثنوی را در فاصله سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۸ میلادی به چاپخانه فرستاد)، اختلاف قرائت‌های نسخ خطی گروه دوم را به صورت پیوست مثنوی مصحح خود منتشر کرد و علاوه بر آن، فهرست غلط‌های چاپی همه دفاتر ششگانه مثنوی چاپ لیدن، قرائت‌هایی که باید بر اساس نظرات جدید او تغییر یابد، و همچنین قرائت‌های مرجح را، پاره‌ای در پیوستی دیگر بر متن مثنوی، پاره‌ای در شرح مشهور خود بر مثنوی که ترجمه فارسی آن با نام شرح مثنوی معنوی مولوی انتشار یافت (علمی و فرهنگی، چاپ چهارم ۱۳۸۹، از این پس شرح نیکلسون)، و پاره‌ای را نیز در ضمیمه ترجمه انگلیسی خود از مثنوی منتشر نمود تا چشم‌های بینا آن را ببینند و به کار بندند؛ اما در ایران، کمتر کسی گوشش بدهکار این حرف‌ها بود.

برخی سازمان‌های انتشاراتی تهران پس از به دست آوردن مثنوی مصحح نیکلسون، بی آن که غلط‌های چاپی آن را بر طرف سازند یا تصحیحاتی را که نیکلسون یادآوری کرده است، رعایت کنند، بارها آن را گاه به صورت افسست منتشر ساختند و گاه از روی آن حروف‌چینی کردند و با این کار، غلط‌های چاپی بیشتری را بر این متن گران‌بها افزودند و صد البته، همه عیب و نقص‌ها را به نام نیکلسون تمام کردند، اما درآمدش را به جیب خود ریختند. این سازمان‌های انتشاراتی حتی مقدمه‌ها و پانوشته‌ها و پیوست‌هایی را که نیکلسون پس از مقابله ده نسخه خطی تهیه کرده بود، در شمار زوائد و مطالب غیر ضروری قرار دادند و حذف کردند. مثنوی چاپ آقای احمد خاتمی (نشر دانشگاهی، ۱۳۹۰) نیز از



شمول این نقص بزرگ برکنار نیست. آقای خاتمی که به گفته خود «سال هاست به تحصیل، تحقیق، و تدریس مثنوی اشتغال» دارد (همان، پیشگفتار، پنج) چگونه در این سال‌ها توجه پیدا نکرده‌اند که نیکلسون در نخستین صفحات شرح خود بر مثنوی موافق نسخ خطی قونیه و قاهره وجود بسم‌الله قبل از بیت اول را تکراری می‌خواند و پس از آن، صورت درست نخستین بیت مثنوی را چنان که در نسخه‌های خطی قونیه، و هر دو نسخه قسطنطنیه می‌یابد تصحیح می‌کند؟ نیکلسون می‌گوید که صورت زیر درست است:

بشنو این نی چون شکایت می‌کند

از جدایی‌ها حکایت می‌کند

و حتی دلیل انتخاب تازه خود را نیز توضیح می‌دهد (شرح نیکلسون، ج ۱، ص ۱۷). اما به‌رغم همه این‌ها، آقای خاتمی صورت دیگری را که نیکلسون رد کرده به نام او ضبط کرده است:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند

از جدایی‌ها شکایت می‌کند

جالب است که آقای خاتمی شرح نیکلسون را در شمار منابع و مآخذ خود آورده، اما توجه نیافته که نه تنها این دو مورد، بلکه ده‌ها مورد دیگر را نیکلسون در همین شرح خود تصحیح کرده و به صراحت تمام از نظر قبلی خود عدول کرده است (نگاه کنید: حسن لاهوتی، تجدید نظر در تصحیح مثنوی، کیهان اندیشه، مهر و آبان ۱۳۶۹، شماره ۳۲ و شماره‌های پس از آن).

جناب آقای احمد خاتمی، عضو محترم هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی تهران، غرض از کوشش اخیر خود را ارائه نسخه‌ای از مثنوی می‌خواند که برخوردار باشد از «ویژگی‌هایی که بتواند آن را از دیگر نسخه‌های چاپی متمایز سازد» (پیشگفتار، پنج). بی تردید یکی از آن «دیگر نسخه‌های چاپی»، نسخه نیکلسون است. از سازمان‌های انتشاراتی نمی‌توان گله کرد زیرا اگر از نشر اثری سود نکنند، باید بساطشان را برچینند؛ اما گله از فردی است دانشگاهی که نه تنها روا می‌دارد که نسخه‌ای مغلوط از مثنوی را به نام محقق که از دنیا رفته است منتشر سازد، بلکه، ناپسند نمی‌شمارد که تمام زحمات محققانه او، یعنی مقابله ده نسخه خطی مثنوی را که بیست سال از عمر او را گرفته است، نادیده انگارد و همه پانوشته‌های حاوی نسخه‌بدل‌های این ده نسخه خطی را دور بریزد — همان کاری که برخی انتشاراتی‌های تهران، با نگاه

اقتصادی در طول نیم‌قرن گذشته با مثنوی تصحیح نیکلسون کرده‌اند. با کمال تأسف، آقای خاتمی بر گرانقدرترین شاخصه عظیم مثنوی مصحح نیکلسون چشم می‌پوشند و بزرگ‌ترین ارزش مثنوی مصحح نیکلسون که وجود نسخه‌بدل‌هایی است که ده نسخه خطی را در یک نسخه جمع آورده است، اهل تحقیق را از نظرات جدید نیکلسون و دسترسی به قرائت‌های نسخ ده‌گانه مثنوی محروم می‌کنند، آن هم در ۵۵۰ صفحه، شامل «تعلیقات، آیات قرآن، احادیث، عبارات عربی، فرهنگ لغات، ترکیبات و کنایات، فهرست‌های راهنما، راهنمای دستیابی به حکایات و قصص (بر اساس واژه‌ها و ترکیبات کلیدی) و نمایه‌های توصیفی»، که به نظر با این تفصیل چندان ضروری نبود.

ایشان در پشت جلد کتاب نوشته‌اند که این نسخه براساس مثنوی تصحیح نیکلسون ویراسته شده است؛ اما دریغ که در جایی از پیشگفتار یا مقدمه خود کلمه‌ای نوشته باشند تا خواننده بداند که تفاوت این متن چاپی با متن چاپی هشتاد سال پیش در کجاست؟

بدیهی است آقای خاتمی با نسخه چاپی لاهوتی (تهران، قطره، ۱۳۸۳) آشنایی دارند زیرا از مقابله آن با مثنوی چاپ لیدن سخن گفته‌اند (پیشگفتار، شش)؛ اما احتمالاً به سبب مشاغل عدیده که تدریس مثنوی در سطوح عالی دانشگاهی تنها یکی از آن‌هاست، فرصت نکرده‌اند لااقل مقدمه چاپ لاهوتی را با دیده تحقیق مرور کنند. نسخه چاپی لاهوتی در حقیقت گامی به جلو بود در راه عرضه نسخه‌ای کامل‌تر از مثنوی چاپ لیدن هشتاد سال پیش. نسخه چاپی لاهوتی کوشیده است که همه تجدید نظر‌ها و یافته‌های تازه نیکلسون و کلیه نسخه‌بدل‌های نسخ خطی قرن هفتم و هشتم مثنوی را چنان که مورد نظر مصحح عظیم‌الشان بریتانیایی مثنوی معنوی بوده است، در خود بگنجانند. مثنوی چاپی آقای احمد خاتمی همه این تلاش‌ها را زاید شمرده و به ارائه جدولی از «اختلاف ضبط‌های نسخه حاضر با نسخه لاهوتی» (ص ۱۱۳۳) اکتفا کرده است، بی آن که توضیح دهد غرض او از این جدول چیست. ناگفته نماند که این جدول توانسته است سه مورد از اغلاط چاپی یا از چشم افتادگی‌ها را در نسخه لاهوتی مشخص کند که از آن جمله می‌توان از مصراع دوم بیت



۲۹۵۰ در دفتر دوم یاد کرد— آن جایی که علامت مفعول بی‌واسطه افتاده و از مصادیق سهوالقلم یا اشتباه حروف چینی است—؛ حال آن که این مصراع در شرح نیکلسون بدون این سهوالقلم ضبط شده است. نمونه‌ای دیگر را بدون آن که انتخاب کرده باشیم، از دفتر چهارم می‌آوریم. نسخه لاهوتی، به سفارش نیکلسون، در بیت ۵۴۲ گام، در بیت ۳۰۴۲ ادا و در بیت ۳۶۹۷ علیل ضبط کرده است. اما نسخه خاتمی آن‌ها را بر خلاف نظر نیکلسون به ترتیب کام، ازا، و غلیل نوشته است. این گونه کارها نشانه بی‌اعتنا بودن است به نظر مصحح بریتانیایی مثنوی که آقای خاتمی نام خود را در پشت جلد در ذیل نام او قرار داده است. ای کاش ایشان دلیل بازگشت خود به چاپ پر غلط هشتاد سال قبل مثنوی مصحح نیکلسون چاپ لیدن را توضیح می‌دادند و برای خوانندگان مثنوی روشن می‌ساختند که چرا نباید قرائت‌هایی را که مصحح اصلی یعنی نیکلسون مرجح دانسته یا سفارش به تغییر آن‌ها کرده است، قبول کنیم. از این گونه سوال‌های بی‌جواب در مثنوی چاپ آقای احمد خاتمی باز هم وجود دارد. فراموش نکنیم که تصحیح مجدد مثنوی مصحح نیکلسون بر اساس آخرین نظرات او و رفع غلط‌های چاپی، کاری ضروری ست. دکتر نصرالله پورجوادی، پیش از حسن لاهوتی به رفع این ضرورت اقدام کرد (مثنوی معنوی، امیرکبیر، ۱۳۶۳)؛ اما به همه غلط‌های چاپی و تجدید نظرهای نیکلسون و ادغام همه قرائت‌ها و نسخه‌بدل‌ها اهتمام نفرمود. اگر اشتباه نکنم، نسخه پورجوادی نخستین نسخه مثنوی مصحح نیکلسون است که همراه با کشف الابیات انتشار یافت.

به اهتمام، به کوشش، ابهام تازه

مدت‌ها، برخی خوانندگان کتاب‌های ایرانی — و از آن جمله یکی نویسنده این سطور — نمی‌فهمیدند فردی که نامش در پشت جلد کتابی پس از عبارت به کوشش یا به اهتمام آمده است، چه نقشی در تولید آن دارد. رفته‌رفته معلوم شد که این عبارت جای عنوان گردآورنده مقالات را گرفته است با این تفاوت که گردآورنده مقالات کتاب علیه‌الاصول خود متبحر و متخصص در موضوع است، اما کوشش‌کننده یا اهتمام‌ورزنده متکلف به برخورداری از چنین مقامی نیست. در این روزگار، ابهام تازه‌ای از راه رسیده است که خبر از سردرگمی ناشر

می‌دهد چون طرف قراردادش نمی‌تواند به روشنی بگوید که کدام یک از وظایف تألیف، ترجمه، تصحیح، ویراستاری و یا گردآوری را انجام داده است. بنابراین، عبارات پشت جلد کتاب را به شیوه‌ای می‌آرید که در چشم خوانندگان عادی غیرمتخصص مانند یک کتاب تألیفی جلوه کند و آن را با دو دیده مبهوت نتیجه تحقیقات و دود چراغ خوردن‌های فردی بدانند که نامش در ذیل آن عبارات آمده است، اما، در عین حال، ظاهر قضیه نیز او را منفک از همه آن مشاغل کتابی معرفی کند— بی آن که گرفتار عبارات مبهم گذشته شود: «متن کامل و ویراسته مثنوی معنوی جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی بر اساس نسخه رینولد. نیکلسون با مقدمه، توضیحات و فهرست‌ها، احمد خاتمی». خوب در این عبارت دقت کنید: «متن کامل و ویراسته مثنوی معنوی جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی بر اساس نسخه رینولد. نیکلسون». چه کسی آن را ویراسته است؟ معلوم نیست و چه ویرایشی روی آن انجام داده است، برای نگارنده روشن نشد. همچنین سهوی در صفحه عنوان کتاب رخ داده است و نام نیکلسون در آن حذف شده است: «مثنوی معنوی جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی به انضمام ترجمه آیات و روایات و عبارات و فرهنگ لغات و ترکیبات و فهرست‌های راهنما و کشف الابیات احمد خاتمی، «استاد دانشگاه شهید بهشتی»». متأسفانه عین عبارات فوق در صفحه شناسنامه هم آمده است، البته عنوان «به اهتمام احمد خاتمی» هم ذیل آن آمده و همین امر سبب شده است که فهرست‌نویس کتابخانه ملی در فهرست‌نویسی پیش از انتشار خود، نام شریف نیکلسون را حذف و این اثر را از اهتمامات آقای احمد خاتمی معرفی کند و در برابر عنوان و نام پدید آور بنویسد: «مثنوی معنوی / جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی؛ به اهتمام احمد خاتمی». فهرست‌نویس‌ها کار خود را خوب می‌دانند و شاید به همین سبب باشد که چند سطر پایین‌تر، در قسمت شناسه افزوده، نوشته شده است: «آقای احمد خاتمی، احمد، ۱۳۳۵، گردآورنده». چرا نباید در پشت جلد کتاب و صفحه عنوان آن، وظیفه و عنوان آقای احمد خاتمی روشن و گویا نوشته شود؟ شاید پاسخ این پرسش را مدیر تولید مرکز نشر دانشگاهی یا معاون علمی آن بدانند. اما اگر به عبارات مربوط به ابراز سیاست از همکاران این طرح شود، کارهایی که دیگران در این کتاب



انجام داده‌اند، معلوم می‌شود؛ زیرا چنان که در صفحه شش پیشگفتار می‌خوانیم حرف‌نگاری متن مثنوی را از روی نسخه چاپ لیدن (با حفظ همه غلطها و کاستی‌هایش - چنان که شرحش گذشت)، سرکار خانم... انجام داده‌اند؛ سرکار خانم... «مقایسه نسخه چاپی لیدن و نسخه چاپی» را برعهده داشته‌اند؛ سرکار خانم... «در استخراج و بازخوانی عبارات عربی و لغات و تنظیم فهرست راهنمای قصص و حکایات کمک‌های شایان توجه» کرده‌اند؛ سرکار خانم... «ارجاعات آیات و احادیث در متن مثنوی را در تعلیقات دنبال و ارجاع متقابل آن‌ها را وارسی» کرده‌اند؛ آقای... «کتاب را ویرایش صوری- فنی» کرده‌اند. خوب، پس آقای اهتمام‌ورزنده در این میانه چه کرده‌اند؟ خودشان نوشته‌اند، اما وقتی کتاب را از روی حوصله نگاه می‌کنیم می‌توانیم ترجمه عبارات‌های عربی و از آن جمله آیات، احادیث و سه مقدمه عربی مثنوی، همچنین معنی لغات و ترکیبات و کنایات و از این قبیل را حاصل کار ایشان بدانیم، ما هم از این بابت از ایشان متشکریم.

نکته آخر این که استخراج آیات و روایات، ترجمه عبارات‌های عربی، لغات و ترکیبات و فهرست‌های راهنما و کشف‌الابیات در عین حال که کاری پسندیده است، به هیچ وجه، کار تازه‌ای نیست. امروزه، کمتر متنی از مثنوی انتشار می‌یابد که کشف‌الابیات نداشته باشد. انواع فهرست‌ها و مجموعه‌های آیات و احادیث به حجم کتاب‌هایی تا یک‌هزار

صفحه برای مثنوی تهیه و چاپ شده است که ضامم آقای خاتمی نزد آن‌ها جلوه‌ای ندارد. از باب نمونه می‌توان از دو هزار آیه و عبارت قرآنی نام برد که در کتابی به نام قرآن و مثنوی (نشر قطره، چاپ پنجم، ۱۳۸۸) گرد آمده و تضمین‌ها، اقتباسات و حتی الهامات مولانا از قرآن را مشخص کرده است. برای مطالب مطرح‌شده در مثنوی، نگاه کنید به کتاب هزار صفحه‌ای میناگر عشق (نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۳) که در واقع، شرح موضوعی مثنوی معنوی است و اگر به نمایه‌های لازم آراسته بود، کار اهل تحقیق را آسان‌تر می‌ساخت. اصولاً، شرح‌های مثنوی دوره اخیر از شرح مثنوی شریف استاد فروزانفر (زوار، چاپ دهم، ۱۳۸۱) که به قلم دکتر شهیدی کامل شد (علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳) گرفته تا شرح انقروی و شرح گلپینارلی و شرح جامع آقای زمانی و شرح نیکلسون بر مثنوی، همه به انواع فهرست‌ها و نمایه‌ها و هزار البته به فهرست آیات و احادیث آراسته‌اند؛ نیز شایسته است به احادیث مثنوی به جمع و تدوین بدیع‌الزمان فروزانفر (امیرکبیر، ۱۳۶۱ و چاپ‌های دیگر) اشاره کنیم. از نظر جمع‌آوری لغات و ترکیبات مثنوی هنوز هیچ محقق‌ی نتوانسته است اثری کامل‌تر از فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی تألیف صادق گوهرین (دانشگاه تهران، ۱۳۷۴) که اتفاقاً در شمار منابع و مأخذ مثنوی چاپ احمد خاتمی نیز قرار دارد، به وجود آورد.

■

